

نایاب
میر کلام جامع علم الوجود و الیه فی حدیث و فقه و کلام

تو ایا که الله از فرزانه فرزند
زود بندهت دهد او همو مندر
مردنفا دند سال و نر اهلقت
برین تم ز عمر رفتن خست
زین کشتی که کار آید نیامد
چه سود کنون که کار از دست رفت
تو چه بد کنی که در کف فایه دار
نیاید به چنگ عمر با
چه کس علم کرد در در عمل کوش
نکند کار از بد خدا
که وقت حاجت اول کار بند
نر از آید اقبال و مرا رفت
مکون از سال و ماه و هفته
کل که افزون ز خوار آید نیامد
زعام اختیار از دست رفت
بفرق از غایب است دار
بدانکه رو گردانست چاره
که علم چه عمل زو نیست چی نوسن

کمال

بکن کار کمال که کرد از آرد آخر
نخست از کتب دانش بهره رهند
بلو معلوم هر آزاد در بند
چه حاصل ز نکر دانه کجا بکیمیا
ز کار ختام کس بود در نداد
نخستین و خستین از کجا خور
فرض از جام هر نعم حیره برداشت
که نماند بر خستن بدوشی قرابت
چو رویه که نشو از نرم شداد
ز فایه کس کس کلامی آنکشت
نمکد چه کینه در خور در خور حرف
که بماند آنچه کس با کس بدین
که هر کس بر او خوار است بکش

بسیار بود در بار آفر
ز بهی آباد نادانان بد
که نادان مرده و نامست زنده
مس خود را کرده زره سار
چو خوارم با نر حکمت آرد
بیتاب از دست پند و آرد
نند در میان زینت هر که هر در است
بود چه چیز آنانی چند نماند
کشدت بپوشد از کسک نهام
در ازار و در آنکشتی ممکن نیست
نمکد دانه ز لانه آنکشت بر حرف
کنند منته دخل لا ریش برین
منته در ننگش از مد خور بار